

صلابت نظامی، بدون خشکی هایش

آوازهایی در باران -۲۰: عطاء اله کاملی به جای کرک داکلاس

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم ویژه نامه روز ملی سینما

زمان انتشار : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۸۵

خودم از این بابت که می خواهم با نمونه آوردن از سریال متوسط بی مزه ای مثل اسکپی ، صدای کاملاً بی مشابه سرهنگ عطاء اله کاملی را در ذهن تان زنده کنم، شرمم می شود. ولی برای این که هر کسی با هر میزان دوری و نزدیکی نسبت به شاخه مهم ولی مهجور مانده «دوبلورشناسی»، با هر حافظه و با هر سن و سالی بتواند به سرعت صدای استاد را به خاطر بیاورد، چاره ای ندارم جز این که بگویم او صاحب همان صدایی است که عنوان بندی سریال اسکپی را می گفت. همان که در کنار اسامی بازیگران تلویزیونی اغلب ناشناخته آن مجموعه، با صدایی در اوج ابهت و صلابت ولی با شیطنت و طراوت بسیار، تیر خلاصش را با گفتن عبارت «اسکپی، کانگوروی بیشه زار» می زد و روی حرف «پ» در اسم آن کانگوروی «نچ نچ» کنان و بی نمک، تشدید خفیفی می گذاشت که هم شیکی و هم شیطنت کارش را بیشتر می کرد.

دقیقاً همین تلفیق صلابت و سرزندگی بود که برگ برنده کاملی در دوبله کرک داگلاس را شکل می داد. او که صدایش به طرز خاصی «گرفته» است و به اصطلاح، از ته گلو حرف می زند، خوب می دانست تفاوت های این صدا با صدای بم تر و کم نوسان تر کرک داگلاس را با چه تمهیداتی به صورت کم میمیک و سنگی او پیوند بزند. در جدال در اوکی کرال (جان استرجس، ۱۹۵۷) صدای او را بشنوید که چه طور تلخی شخصیت داک هالیدی (داگلاس) را در پس طعنه ها و شوخی هایش پنهان می کند و در عین حال نشانی اش را می دهد، یا در اسپارتاکوس (استنلی کوبریک، ۱۹۶۰) با همان تحرک و شوری که کنار صلابت صدایش نشسته، خوب حس کنید که اسپارتاکوس (داگلاس) واقعاً اولش به انگیزه ای شخصی و در ابعادی کوچک به پا خاست و حرکتش بعدتر سر و شکل یک «قیام» را به خود گرفت. از این زاویه که نگاه کنیم (در واقع، گوش بدهیم)، انگار کاملی همیشه کرک داگلاس را با تأکید بر همین شوق درونی و تحرک و سرزندگی در کنار آن اقتدار، ابهت و ابعاد مردانه و مغرور گفته است. این نکته نه فقط در کار دوبلاژ، بلکه حتی در درک درونمایه های فیلمی چون اسپارتاکوس هم حیاتی است. این برده ی ساده، بدون هیچ گونه زمینه دیگر، بدون قصد مقاومت و ظلم زدایی و غیره، فقط برپایه همان نشاط و رهایی و قیدناپذیری ذاتی اش دست به حرکت می زند و حرکتش بعداً به قیامی همه جانبه علیه برده داری در روم باستان تبدیل می شود. دگردیسی در این حرکت،

هیچ تأثیری در درونیات ساده خود اسپارتاکوس ندارد و به دگرگونی او نمی انجامد. برای همین است که کاملاً تا انتها همان سادگی را در دل صلابت و قدرت جاری در صدا و بیانی که برای اسپارتاکوس برگزیده، حفظ می کند.

در نظرخواهی از دوبلورها برای انتخاب بهترین فیلم ها و تجربه های سینمایی عمرشان، کاملاً هم بازی های کرک داگلاس را بهترین نقش گویی های عمرش معرفی کرده و هم فیلم اسپارتاکوس را در صدر فهرست محبوب های زندگی اش قرار داده (فارغ از این که دوبله آن را خودش به عهده داشته). این باز همان قصه قدیمی را به یادمان می آورد: در چنین رده هایی، وقتی کاری را در اوج انجام می دهی که به خودش، حرفش و شکل ارائه اش باور داشته باشی. اگر کاملاً مضمون و نوع طرح آن را در تنها اثر تاریخی - حماسی کوبریک نمی شناخت و آن را با هر نمونه مشابه، یکی می پنداشت، کارش هرگز به این حد و سطح نمی رسید.